



## Analyzing the relationship between economic policy uncertainty and tax avoidance

Amjad Rahmanzadeh<sup>1</sup>, Aram Sepehrivand<sup>2\*</sup>

1. Sanandaj Islamic Azad University, Iran
2. Isfahan University, Iran

### Abstract

The countries of the world differ in terms of tax structure in terms of monetary and tax systems, and this difference in the tax system is due to different social preferences for public goods over private goods. In order to balance and administer justice and prevent tax escalation in various areas, the government has set various rates for taxation, including income tax, value added tax, and consumption and sales tax. As economic policy uncertainty increases, tax avoidance strategies can be ineffective because they may not be compatible with new policies and increase the likelihood of tax evasion. This study seeks to answer the question that what is the relationship between economic policy uncertainty and tax avoidance of companies listed on the Tehran Stock Exchange. The statistical population of this study is all the companies listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2011 to 2018. The econometric model used in this research is the panel data regression method. The results show that the effect of the independent variable of economic policy uncertainty on the tax avoidance variable of Tehran Stock Exchange companies is positive and significant. The results also show that the tax quota variable has a positive and significant adjustment effect on the relationship between economic policy uncertainty and tax avoidance of Tehran Stock Exchange companies.

**Keywords:** Tax avoidance, Economic policy uncertainty, Tax quota.

\* Corresponding author: Aram Sepehrivand, a.sepehrivand@gmail.com



## تحلیل ارتباط بین نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و اجتناب مالیاتی

امجد رحمن زاده | دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد سندج، کارمند اداره مالیات شهرستان بوکان  
آرام سپهری‌وند\* | کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان، کارمند اداره مالیات شهرستان بوکان

### چکیده

کشورهای جهان از نظر ساختار مالیاتی در راستای نظام‌های پولی و مالیاتی دارای تفاوت می‌باشند و این تفاوت در نظام مالیاتی در اثر ترجیحات متفاوت اجتماعی برای کالاهای عمومی در مقابل کالاهای خصوصی می‌باشد و دولت در راستای متعادل‌سازی و اجرای عدالت و جلوگیری از تصاعد مالیاتی در زمینه‌های متفاوت، نرخ‌های متفاوتی برای گرفتن مالیات در نظر گرفته است از جمله مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر مصرف و فروش. هنگامی که نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی افزایش می‌یابد، استراتژی‌های اجتناب از مالیات می‌تواند ناکارآمد باشد زیرا ممکن است با سیاست‌های جدید سازگار نباشد و احتمال فرار مالیاتی افزایش یابد. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که بین نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه رابطه‌ای وجود دارد؟ جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. الگوی اقتصادسنجی مورد استفاده در این پژوهش روش رگرسیونی داده‌های تابلویی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر متغیر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مثبت و معنادار است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیر سهمیه مالیاتی بر رابطه بین نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیلی مثبت و معنادار دارد.

**واژگان کلیدی:** اجتناب مالیاتی، نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، سهمیه مالیاتی.

## ۱. مقدمه

کشورهای جهان از نظر ساختار مالیاتی در راستای نظام های پولی و مالیاتی دارای تفاوت می باشند و این تفاوت در نظام مالیاتی در اثر ترجیحات متفاوت اجتماعی برای کالاهای عمومی در مقابل کالاهای خصوصی می باشد و دولت در راستای متعادل سازی و اجرای عدالت و جلوگیری از تصاعد مالیاتی در زمینه های متفاوت، نرخ های متفاوتی برای گرفتن مالیات در نظر گرفته است از جمله مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر مصرف و فروش. بنابراین یک سیاست-گذاری صحیح در امر اخذ مالیات می تواند راستای تحرک جامعه در فعالیتهای اقتصادی را هدایت نموده و زمینه افزایش تولید و افزایش رفاه جامعه و توسعه یافتگی در کشور را ایجاد نماید.

در ادبیات نظری دو مفهوم بار مالیاتی و بار اقتصادی مالیات مطرح شده است. بار مالیاتی که اثر اقتصادی سیاستهای مالیاتی را بر روی شرکت نمایش می دهد، آن بخش از درآمد مشمول مالیات شرکت است که به عنوان مالیات به دولت پرداخت می شود. این در حالیست که بار اقتصادی مالیات علاوه بر آنکه اثر اقتصادی مستقیم سیاست های مالیاتی دولت را در بر می گیرد شامل آثار اقتصادی دیگر فعالیت های ناکارآمدی است که در واکنش به سیاستهای مالیاتی دولت از سوی شرکت ها انجام می پذیرد (ابونوری و نیکپور، ۱۳۹۳؛ پرخیده و تاجیک، ۱۳۹۰).

هنگامی که ناطمینانی سیاست های اقتصادی افزایش می یابد، استراتژی های اجتناب از مالیات می تواند ناکارآمد باشد زیرا ممکن است با سیاست های جدید سازگار نباشد (سراتو و زیدار، ۲۰۱۴) و احتمال فرار مالیاتی افزایش می یابد. بنابراین، شرکت ها ممکن است تمایل به مشارکت در فرآیندهای اجتناب از مالیات به منظور جلوگیری از ریسک داشته باشند (دالیوال و همکاران، ۲۰۱۶). بدیهی است که فرار کمتر از مالیات شرکتها به معنی اجتناب مالیاتی کمتر شرکتها است. این مکانیسم پاسخگویی بنگاهها به ناطمینانی است که به راحتی از ادبیات موجود استنباط می شود. علاوه بر این، در این تحقیق یک مکانیسم واکنش دهی جدید دولت ها به ناطمینانی پیشنهاد می شود. ناطمینانی سیاست های اقتصادی می تواند رشد اقتصادی را کند کند (جین و همکاران، ۲۰۱۹)، باعث کاهش بازده سهام شود (بایور و همکاران، ۲۰۱۷)، سرمایه-گذاری شرکتها را کاهش داده و سرمایه های نقدی را افزایش دهد (کین و لوک وود، ۲۰۱۴). در نتیجه، ناطمینانی سیاستهای اقتصادی منجر به کاهش درآمد مالی دولتها می شود، در عین حال دولت های محلی برای مهار رکود اقتصادی انگیزه دارند تا هزینه های مالی را افزایش دهند که این امر فشار مالی دولت ها را افزایش می دهد. به منظور کاهش فشار، و دولت تمام تلاش خود را برای افزایش درآمد مالیاتی انجام می دهند (گوردون و لی، ۲۰۱۶)، که این امر باعث افزایش اجتناب مالیاتی شرکت ها می شود (تران، ۲۰۱۹).

تمامی اقتصاددانان در این امر اتفاق نظر دارند که دولت می بایست در امر اقتصاد از طریق مالیات دخالت داشته باشد و جهت گیری جامعه از نظر نوع فعالیت را ایجاد نماید و مشاغلی که مفیدتر می باشند دارای معافیت بیشتر و مشاغل واسطه و دلال گرایی دارای مالیات بیشتر باشند تا زمینه ارتقا تولید در کشور فراهم گردد. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که بین ناطمینانی سیاست های اقتصادی و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه رابطه ای وجود دارد؟

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پرداخت مالیات از مهمترین عوامل رشد و توسعه جوامع محسوب می شود و رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی و بهبود عمران و آبادانی کشورها را در پی دارد (ابراهیمیان و ابراهیمیان، ۱۳۹۳). امروزه نقش نظام مالیاتی در کشورهای مختلف عموماً حول سه هدف اجتماعی، اقتصادی و بودجه‌ای تعریف می شود. هدف سیاست‌های مالیاتی در بُعد اجتماعی، بهبود توزیع درآمد بین طبقات مختلف درآمدی، در بُعد اقتصادی، تخصیص بهینه منابع بین بخش‌های مختلف اقتصادی و کنترل نوسانات احتمالی در اقتصاد و در نهایت در بُعد بودجه‌ای، تأمین منابع مالی دولت است. دولت‌ها با بکارگیری ابزار مالیات، بخش قابل توجهی از منابع مورد نیاز خود را تأمین می کنند و آن را بر اساس اولویت‌های مورد نظرشان تخصیص می دهند (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۴). در قانون بودجه سال ۱۳۹۶ ایران درآمدهای مالیاتی سهمی تقریباً برابر با درآمدهای نفتی داشتند که این خود نشان از اهمیت مالیات در تأمین منابع مالی دولت دارد.

مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، در اغلب کشورها از جمله ایران، بخش قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت را حاصل می کند؛ اما نباید از نظر دور داشت هدف از اخذ مالیات تنها تأمین مالی دولت نیست و مالیات ابزاری است که به منظور رشد، ثبات و کاهش نابرابری در اقتصاد در اختیار دولت قرار دارد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۴)، بنابراین دولت‌ها همواره بر آنند سیاست‌های مالیاتی خود را به گونه ای تعیین نمایند که توسعه اقتصادی جامعه را نیز به همراه داشته باشد؛ به این معنی که سیاست‌های مالیاتی باید به گونه ای تدوین شوند که برای فعالان اقتصادی مانع نسازند، انگیزه سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی آنها را کاهش ندهند و با کاهش تولید ناخالص داخلی حرکت به سوی رشد اقتصادی پایین تر را زمینه ساز نگردند. مطابق ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم مبنای محاسبه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی جمع درآمد شرکت‌ها پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مالیاتی است. این در حالیست که مطابق مواد ۱۴۸ و ۱۴۹ هزینه های قابل قبول بر مبنای بهای تمام شده تاریخی تعریف شده اند؛ هزینه هایی که در محاسبه درآمد مشمول مالیات لحاظ می شوند از نظر ارزش پولی ماهیت‌های متفاوتی دارند؛ برخی مانند هزینه‌های حقوق و مزایا، تحقیقاتی، ورزشی و ملزومات اداری به محض وقوع (و فارغ از دوره پرداخت) به حساب هزینه دوره منظور می شوند و برخی دیگر مانند بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه استهلاک به اتکای استانداردهای حسابداری با تأخیر به سود و زیان دوره منظور می شوند. مطابق بند ۳۵ فصل پنجم مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی در اندازه گیری عناصر صورتهای مالی ملاک عمل قرار می گیرد و ارزشهای جاری تنها در مواردی معدود و آن هم با پایبندی به ویژگی احتیاط به عنوان یکی از ویژگی‌های قابلیت اتکا بکار گرفته می شود (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۶).

امروزه توافق همه اقتصاددانان بر دخالت دولت است و اختلاف‌ها فقط در خصوص میزان دخالت هاست و مالیات‌ها نیز به عنوان اولین گام دخالت دولت در اقتصاد محسوب می شود. لازم به یادآوری است که انگیزه اصلی در وضع مالیات‌ها در همه کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، تأمین مالی بخش عمومی و کمک به اجرای اهداف عمومی و خدمات اجتماعی است. انگیزه‌های ثانویه، توزیع مجدد درآمدها و سیاست‌های مالی است. چنانچه منبع تأمین مالی دولت یا مالیات‌ها با نوسان و بی ثباتی روبرو باشد، هزینه های دولت از جمله مخارج سرمایه گذاری و رشد اقتصادی نیز کاهش می یابد. تنوع بخشی مالیات‌ها، تغییر در سهم مالیات‌های مختلف مالیاتی از جمله مالیات‌های غیرمستقیم و نسبت مالیات بر تولید

از عواملی است که می‌تواند باعث نوسان درآمدهای مالیاتی دولت شده و از طریق آن بر رشد نیز مؤثر افتد (موسوی و نوروزی، ۱۳۹۰).

مالیات به لحاظ اثرات گسترده خود در اقتصاد همواره مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی بوده است. کلاسیک‌ها به لحاظ عدم اعتقاد به دخالت دولت‌ها در اقتصاد، درآمدهای مالیاتی را تنها برای تأمین مخارج دولتی در نظر می‌گرفتند که وظیفه چندانی در اقتصاد نداشت. لذا اثرهای مالیات بر اقتصاد تنها در حوزه خرد اقتصادی بررسی می‌گردید. بنابراین به نوسان در درآمدهای مالیاتی نیز اهمیت چندانی نمی‌دادند. ولی با گسترش وظایف دولت‌ها، نه تنها بایستی منبعی برای تأمین مالی این فعالیت‌ها در نظر می‌گرفتند، بلکه تأثیرات گسترده‌ای که بر اقتصاد دارند و تغییرها و نوسان‌های آن را که می‌توانستند دیگر متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند، مورد توجه قرار دهند. گسترش تعهدهای دولت در عرصه اقتصادی، اجتماعی و تلاش برای تحقق اهدافی همچون رشد اقتصادی، ثبات قیمتها، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد، هزینه‌های دولت‌ها را با روندی صعودی مواجه نموده است. تأمین مالی چنین هزینه‌هایی نیازمند منابع درآمدی کافی است. در بودجه کشورهای صادرکننده نفت، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های آن به عنوان بزرگ‌ترین منبع درآمد غیرمالیاتی به شمار می‌آید. شواهد اقتصاد ایران نیز نشان دهنده آن است که درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی بخش قابل توجهی از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد که وابستگی بودجه و درآمد دولت به دلارهای ارزی همواره عواقب منفی را برای اقتصاد به دنبال داشته است (رجبی و زنده دل شندی، ۱۳۹۶).

در مقابل درآمدهای غیرمالیاتی، درآمدهای مالیاتی قابل قبول‌ترین و مناسبترین نوع آن از نظر اقتصادی است. به طوری که در بسیاری از کشورها درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر منابع مهم درآمدی از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین مالیات در جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی اعم از توزیعی، مالی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان اقتصادی مانند تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی ابزاری کارآمد به شمار می‌آید. به عبارت دیگر مقایسه این منبع مهم با سایر منابع حاکی از آن است که هر چه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد آثار نامطلوب اقتصادی به میزان قابل توجهی کمتر خواهد بود. به همین دلیل در کشورهای پیشرفته برخلاف کشورهای در حال توسعه، مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت نقش به‌سزایی دارند و به طور تقریبی قسمت عمده مخارج دولت از این طریق تأمین می‌گردد. همچنین، علاوه بر تأمین مالی دولت در جهت نیل به اهداف سه‌گانه خود یعنی تخصیص منابع، توزیع درآمد و ثبات اقتصادی می‌تواند از اهرم مالیات استفاده نماید (دانگک و همکاران، ۲۰۱۹).

از طرف دیگر درآمدهای مالیاتی از طریق تأثیرگذاری بر طرف عرضه و تقاضای اقتصاد می‌تواند تولید و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین نوسان‌ها و بی‌ثباتی‌های درآمدهای مالیاتی نیز می‌تواند موجب نوسان در تولید و رشد اقتصادی گردد. چنانچه این نوسان‌ها منجر به بی‌ثباتی در دریافتی‌های دولت گردد، از طریق بی‌ثباتی در مخارج دولت، و همچنین کانال تأثیرگذاری مالیات‌ها بر تخصیص منابع، تولید و رشد نیز با نوسان روبرو خواهند شد (آملی و جعفری صمیمی، ۱۳۸۹).

تأثیر بی‌ثباتی مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تحقیق و توسعه هم از دیدگاه تولیدکنندگان و هم از دید دولت نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این مورد بیشتر از طریق معافیتهای مالیاتی (و یا به عبارتی مخارج مالیاتی) بروز می‌کند. در حقیقت در بسیاری موارد معافیت‌های مالیاتی در بخشهای مولد میتواند محرک افزایش سرمایه‌گذاری در این

بخشها باشد. به طور کلی اینکه مالیات و نرخ آن چگونه از طریق تحقیق و توسعه می تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد، از یک طرف به اثر مالیات بر هزینه های تحقیق و توسعه در بنگاه ها و هدایت آن به سمت و سوی نوآوری ها بستگی دارد. ممکن است بدلیل استفاده از این سیاست مالیاتی به عنوان یک رانت، هیچ تأثیری بر رشد نداشته باشد (جین و همکاران، ۲۰۱۹).

در عمده کشورهای جهان، مالیات بر شرکت ها بخش قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می دهد. با پیشرفت حرکت صنعتی شدن و گسترش تجارت و ابعاد بنگاه های تولیدی، به دلایلی چون نیاز به حجم بسیار زیاد سرمایه گذاری و افزایش ریسک در فعالیتهای تولیدی، بنگاههای اقتصادی در قالب شکل قانونی، شرکت ها به فعالیت پرداختند. به نظر عده زیادی از اقتصاددانان، شرکت، یکی از راههایی است که افراد مالکیت بر دارایی ها را بدست می آورند. در نتیجه، مالیات بر درآمد شرکت ها مانند مالیات بر درآمد صاحبان شرکت ها است. اگر عوامل تولید از بخش شرکت ها به غیر شرکت ها بتوانند جا به جا شوند، مالیات به کل اقتصاد منتقل می شود. از طرف دیگر، چون در عمده کشورها مالیات بر مجموع درآمدها وجود دارد، مالیات بر شرکتها یک مالیات مضاعف محسوب خواهد شد (میلانی و همکاران، ۱۳۹۷).

کشورهای مختلف در زمینه نظام پولی و مالیاتی دارای ساختار مالیاتی متفاوتی هستند. در نظام مالیاتی این ساختار متفاوت به دلیل تفاوت در ترجیحات اجتماعی برای کالاهای عمومی در برابر کالاهای خصوصی است. بنابراین، دولت هایی که به دنبال اجرای سیاست های بازتوزیعی هستند، باید مالیات بر درآمد شخصی تصاعدی را اعمال کنند. در مقابل، دولتهای دیگر ممکن است مالیات های تصاعدی کمتری را اعمال کنند و به دنبال مالیات های تناسبی از قبیل مالیات بر مصرف، فروش یا مالیات بر ارزش افزوده باشند. بنابراین، یک نظام مالیاتی در صورت کارآمد بودن میتواند با اثرگذاری بر انگیزه کاری، رفتار مصرفی، پس انداز و سرمایه گذاری نقش مهمی در کارکرد مناسب نظام اقتصادی داشته باشد.

بر این اساس، در سال های اخیر در مورد اصلاح نظام مالیاتی بر اساس ساختار و نرخ ها و تأثیر آن بر اقتصاد بحث های زیادی مطرح شده است. یک نظریه حرکت از نظام مالیات بر درآمد به سمت نظام مالیات بر مصرف است که باعث افزایش تمایل به پس انداز، سرمایه گذاری و انباشت سرمایه می شود. در این راستا، سیاست تشویق انگیزه کار و فعالیت از طریق کاهش نرخ مالیات بر درآمد کسب و کار تنها یک سیاست انبساطی مالی نیست، بلکه یک سیاست افزایش دهنده عرضه کل نیز می باشد. در نظام پولی این ساختار متفاوت مبتنی بر سیاست های پولی اعمال شده است. در دیدگاه سنتی در اقتصاد پولی، مانده های واقعی پول مانند کالای مصرفی و تورم به عنوان مالیات بر مانده های واقعی است. بر این اساس، تورم ناشی از سیاستهای پولی نوعی مالیات است که از یک طرف ایجادکننده درآمد برای دولت است و از طرف دیگر ایجادکننده اختلال در رفتار بخش خصوصی است (والش، ۲۰۱۰). بنابراین، در رویکرد مالیه عمومی، تحلیل تأثیر حرکت از مالیات تورمی به مالیات بر مصرف روی متغیرهای کلان و برآورد منافع رفاهی بالقوه آن از موضوعات مهمی است که می تواند منجر به به کارگیری سیاست های پولی و مالیاتی کارا شود. در الگوهای خرید پیشاپیش نقد که در این پژوهش به کار گرفته شده است، مانده های واقعی پول برای خرید کالاها و سرمایه گذاری مورد استفاده قرار می گیرد و امکان محدود شدن هر دوی کالاهای مصرفی و سرمایه ای بوسیله نقدینگی وجود دارد. بنابراین، تورم از طریق کاهش مانده های واقعی پول به عنوان نوعی مالیات بر مصرف و سرمایه گذاری مطرح می شود و باعث جایگزینی فراغت به جای کار می شود

و عرضه نیروی کار، تولید و مصرف کاهش می‌یابد. هر چند افزایش تورم به عنوان مالیات تورمی بیشتر می‌تواند باعث کاهش سایر مالیات‌های اخلال‌زای دیگر شود (حاجی کرمی و اکبرپور، ۱۳۹۱).

در رویکرد مالیه عمومی، زمانی که تأمین مالی مخارج دولت از طریق مالیات‌ها صورت می‌گیرد، دولت می‌تواند علاوه بر سایر مالیات‌ها، از مالیات تورمی نیز بهره‌مند شود. اما، انتشار پول جدید توسط دولت، ارزش واقعی پولی را که افراد نگهداری می‌کنند، کاهش می‌دهد. این کاهش در ارزش واقعی پول نگهداری شده بوسیله افراد را که منجر به انتقال منابع بخش خصوصی به دولت می‌شود، اصطلاحاً مالیات تورمی می‌گویند (آندریس و همکاران، ۲۰۱۷).

بنابراین، تورم ناشی از انتشار پول جدید مانند نوعی مالیات عمل می‌کند و مردم را مجبور می‌کند کمتر از میزان درآمد خود خرج کنند و ما به التفاوت را به دولت بدهند. در این حالت دولت می‌تواند منابع بیشتری را خرج کند و در مقابل مردم کمتر خرج می‌کنند. بنابراین، اگرچه به نظر می‌رسد پیش‌بینی‌های مربوط به عدم اعمال مالیات بر درآمد سرمایه، وضع مالیات‌های یکسان بر مصرف و تورم منفی با هر ساختار مالیاتی در کشورهای در حال توسعه سازگار نیستند، اما با سیاست‌های مالیاتی در کشورهای توسعه یافته ناسازگاری دارند (گوردن و لی، ۲۰۰۹). ساختار مالیات‌ها و سیاست‌های مالیاتی در کشورهای در حال توسعه چالش برانگیز است. در کشورهای در حال توسعه برخلاف کشورهای توسعه یافته، مالیات بر درآمد شرکتها، تعرفه‌های وارداتی و حق الضرب به عنوان منابع مهم درآمدی دولت است. همچنین، دولت در کشورهای فقیر درآمد کمتری از مالیات بر درآمد اشخاص کسب می‌کنند و هنوز این چالش وجود دارد که ترجیحات توزیعی باید به طور سیستماتیک در بین کشورهای فقیرتر ضعیف‌تر دنبال شود. همچنین، کشورهای ما فقیرتر به طور متوسط دو سوم یا کمتر نسبت به کشورهای ثروتمند، درآمد مالیاتی به صورت نسبتی از تولید ناخالص داخلی کسب می‌کنند. در حالی که نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و آموزش و بهداشت در این کشورها وجود دارد. بنابراین، یک واکنش طبیعی به تفاوت‌های مربوط به پیش‌بینی سیاست‌ها در کشورهای در حال توسعه به این نتیجه منتهی می‌شود که این سیاست‌ها در کشورهای در حال توسعه باید تغییر کند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۷).

بنگاه‌ها در تصمیم‌گیری مسائل مختلف اقتصادی خود مانند: تولید، اشتغال، کارایی، قیمت‌ها و سایر عوامل مالیات‌ها را در نظر می‌گیرند. از دیدگاه اقتصادی، بهترین نظام مالیاتی نظامی است که دارای مطلوبترین آثار اقتصادی باشد یا اینکه آثار نامساعد اقتصادی را به حداقل برساند. مالیات‌ها از طریق اعطای معافیت‌های خاص و یا وضع حقوق گمرکی بر کالاهای خاص می‌توانند بر تولید و اشتغال مؤثر باشند. همچنین مالیات بر درآمد، از طریق تأثیرگذاری بر توان خرید مصرف‌کنندگان، بر قیمت‌ها مؤثر بوده و از طریق انتقال بار مالیاتی باعث تورم گردد. از طرف دیگر، هنگام وصول مالیات، احتمال کاهش کارایی اقتصاد به دلیل پایین بودن کارایی سیستم مالیاتی و عدم ارتباط صحیح میان بخش‌های مختلف اقتصادی، وجود دارد. بالا بودن نرخ‌های مالیاتی، به کارایی اقتصادی در بنگاه‌ها صدمه رسانده و باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد.

پیشینه این پژوهش شامل مطالعات داخلی و خارجی است که در ادامه آورده می‌شود.

یو (۲۰۲۰) طی پژوهشی با عنوان عدم اطمینان سیاست اقتصادی، هزینه سرمایه و ابتکار شرکتی، تأثیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی دولت بر نوآوری شرکت را بررسی کردند. آنها نشان دادند که عدم قطعیت سیاست اقتصادی دولت هزینه سرمایه شرکت‌ها را افزایش می‌دهد، که به نوآوری کم‌تر منجر می‌شود. همانطور که عدم قطعیت سیاست اقتصادی افزایش می‌یابد،

شرکت‌هایی که در معرض چنین عدم قطعیت قرار دارند، هزینه متوسط وزن دهی بالاتری از سرمایه و نوآوری کم‌تر دارند. نوآوری‌های بنگاه‌های مالی دارای محدودیت مالی و شرکت‌هایی که به منابع مالی خارجی در یک محیط رقابتی تکیه دارند، بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که عدم قطعیت سیاست اقتصادی بالاتر مانع نوآوری نه تنها از طریق کانال برگشت‌ناپذیری سرمایه‌گذاری سنتی بلکه از طریق کانال هزینه - سرمایه است.

دانگ و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی "نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و بار مالیاتی شرکت‌ها: شواهدی از کشور چین" پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی با بار مالیاتی شرکت‌ها ارتباط مثبت دارد و وقتی سهمیه مالیاتی بیشتر است، این اثر گذاری بیشتر می‌شود. بعلاوه، دریافت شده است که نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی با افزایش فشار مالی دولت، جمع‌آوری مالیات را تقویت می‌کند و بدین ترتیب بار مالیاتی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد.

اندریس و همکاران (۲۰۱۷)، اثر سیاست‌های مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی در بانک‌ها را بررسی کردند. آنها دریافتند سیاست‌های مالیاتی با ذخیره زیان و وام‌ها رابطه دارد و شفافیت گزارشگری آنها را تغییر می‌دهد؛ البته هرچه سیستم مالیاتی بانک‌ها را به شناسایی به هنگام تر ذخائر تشویق کند این اثرپذیری بیشتر است.

بایور و همکاران (۲۰۱۷)، رابطه سیاست‌های مالیاتی را با خطر سقوط قیمت سهام آزمون کردند. آنها دریافتند سیاست‌های مالیاتی سختگیرانه با افشای بهتر اطلاعات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی همبسته است. به این ترتیب، احتمال حسابرسی مالیاتی با خطر سقوط قیمت سهام رابطه منفی دارد.

اثنی عسری و نورمحمدی (۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان رابطه سیاست‌های مالیاتی و بار مالیاتی شرکت‌ها در شرایط تورمی بیان داشتند، مالیات، یکی از مهمترین عوامل رونق اقتصادی و توسعه جوامع محسوب می‌شود و به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها مطرح است. نتایج نشان داد شرکت‌هایی که سهم دارایی‌های ثابت و موجودی کالا در ساختار دارایی‌های آنها بیشتر است با گذشت زمان و کاهش دوره گردش موجودی کالا بار مالیاتی بیشتری را متحمل می‌شوند.

شهبازی و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان ارزیابی نقش مشوق‌های مالیاتی شرکت‌های تجاری و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه‌ای بیان داشتند، بسیاری از کشورهای توسعه یافته در بدو فرایند توسعه خود همواره از سیاست‌های تشویقی در حوزه مالیاتی برای توازن توسعه منطقه‌ای استفاده نمودند. طبق نتایج، اعطای مشوق‌های مالیاتی در قالب کاهش نرخ مالیات متوسط در سطح استانی، تأثیر مثبت اما بسیار ناچیزی بر افزایش رشد تشکیلات شرکتی و دستمزد سرانه نیروی کار داشته و بر نرخ اجاره مسکن و نرخ بیکاری تأثیر بی‌معنی دارد. این امر نشان می‌دهد که سیاست تشویق مالیاتی نتوانسته است به اهدافی نظیر کاهش محرومیت و بهبود شرایط اقتصادی استانها دست یابد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ مؤثر مالیاتی بیان داشتند که شفافیت، به عنوان ابزاری برای رشد و توسعه جامعه ضروری است. یافته‌ها حاکی از این است که هموارسازی سود و اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری دستکاری سود، دارای رابطه مثبت و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی است، کیفیت افشا به عنوان معیاری مستقیم از شفافیت گزارشگری مالی، دارای رابطه منفی و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی به عنوان معیاری مستقیم از شفافیت گزارشگری مالی، دارای رابطه منفی و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی است.



میلانی و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان اثر سیاست‌های مالیاتی بر اقتصاد زیرزمینی: الگوی DSGE به برآورد میزان اقتصاد زیرزمینی و همچنین بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی مختلف بر اقتصاد زیرزمینی در ایران پرداختند. براساس نتایج پژوهش، از چهار تکانه مالیاتی مورد بررسی (مالیات بر دستمزد، مالیات بر مصرف، مالیات بر سود و مالیات بر واردات) که سبب افزایش تولید زیرزمینی می‌شوند، مالیات بر سود و مالیات بر واردات به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش اقتصاد زیرزمینی داشته‌اند. همچنین بررسی اثرات تکانه‌های مالیاتی بر تولید زیرزمینی و تولید رسمی نشان داد که شدت و طول دوره اثرگذاری تکانه‌های مالیاتی بر تولید زیرزمینی از تولید رسمی بیشتر است.

رجبی و زنده دل شندی (۱۳۹۶) طی پژوهشی با عنوان تأثیر بی‌ثباتی در آمد مالیاتی دولت از شرکت‌ها، بر رشد اقتصادی ایران بیان داشتند که در آمد های مالیاتی، منبع تأمین مالی و ابزار سیاست مالی جهت رسیدن به هدف های اقتصادی دولت می باشد. نتیجه‌ی بدست آمده نشان می دهد که در کوتاه مدت، در آمد مالیاتی ناشی از مالیات بر شرکت‌ها در دوره اول اثر منفی و در دوره های بعدی رفتار متفاوتی را بر رشد اقتصادی داشته است. در بلندمدت اثر بی‌ثباتی در آمد مالیاتی شرکت‌ها، نشان از اثر منفی بر رشد اقتصادی با سطح معنی داری آماری را دارد.

ایزدخواستی (۱۳۹۶) طی پژوهشی با عنوان تحلیل اثرات اصلاح سیاست مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران: رویکرد خرید پیشاپیش نقد CIA بیان داشتند که یک نظام پولی و مالیاتی کارآمد نقش مهمی در کارکرد مناسب نظام اقتصادی دارد و می تواند بر انگیزه کاری، رفتار مصرفی، پس انداز و سرمایه گذاری اثر گذار باشد. نتایج حاصل از کالیبره کردن و تحلیل حساسیت الگو بیانگر این است که در سناریوهای مختلف کاهش نرخ مالیات تورمی و افزایش نرخ مالیات بر مصرف، به همراه کاهش اندازه دولت و کاهش محدودیت نقدینگی بر سرمایه گذاری باعث افزایش ذخیره سرمایه سرانه، تولید سرانه، مصرف سرانه، مانده های واقعی پول سرانه و سطح رفاه در وضعیت یکنواخت شده است.

### ۳. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به بیان مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.  
فرضیه دوم: سهمیه مالیاتی، اثر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را تقویت می‌کند.

### ۴. روش پژوهش

#### ۴.۱. جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. در این پژوهش برای این که نمونه پژوهش یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد بررسی باشد، برای انتخاب نمونه از شیوه غربال‌گری (حذفی) استفاده گردیده است. برای رسیدن به این هدف معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را دارا باشد به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب گردیده است. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند می‌باشد.

تعداد شرکت‌هایی که بعد از سال ۹۰ در بورس پذیرفته شده‌اند. جز شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و لیزینگ‌ها) نباشند. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد. با توجه به شرایط فوق تعداد ۱۲۴ شرکت مطابق جدول (۱-۳) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید.

### جدول ۱. روند انتخاب نمونه

۳۲۵	تعداد شرکت‌های بورس در سال ۱۳۹۷
(۶۹)	اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
(۴۶)	تعداد شرکت‌هایی که بعد از سال ۹۰ در بورس پذیرفته شده‌اند
(۴۵)	جز شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و لیزینگ‌ها) نباشند.
(۴۱)	به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند می‌باشد.
۱۲۴	تعداد شرکت‌های نمونه

بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۲۴ شرکت به عنوان نمونه پژوهش باقیمانده است که تمامی آن‌ها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند.

### ۲.۴. مدل‌های پژوهش

به منظور شناسایی اثرات ناطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، از مدل‌های زیر استفاده می‌شود:

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 EPU_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 leverage_{it} + \beta_4 inasset_{it} + \beta_5 flasset_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

برای آزمون فرضیه دوم نیز از الگوی رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 EPU_{it} + \beta_2 EPU_{it} * TQ_{it} + \beta_3 size_{it} + \beta_4 leverage_{it} + \beta_5 inasset_{it} + \beta_6 flasset_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

متغیر وابسته

در مدل شماره (۱)، ETR نرخ مالیاتی مؤثر را نشان می‌دهد، که نشان دهنده اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است. متغیر وابسته ETR از نسبت هزینه مالیات به سود عملیاتی شرکت A در دوره t به عنوان نرخ مؤثر مالیاتی استفاده می‌شود.

$$ETRGAAP = \frac{TAX EXPENSE}{OPERATING INCOME}$$

که در آن

ETRGAAP: نرخ مؤثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری می‌باشد.

TAX EXPENSE: هزینه مالیات ابرازی شرکت می‌باشد که در صورت سود و زیان نشان داده می‌شود.

OPERATING INCOME: سود عملیاتی شرکت می‌باشد که در صورت سود زیان وجود دارد.

متغیر مستقل

EPU بیانگر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی است. در این مطالعه برای سنجش نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی از نوسانات قیمت سهام استفاده می‌شود.

برای اندازه‌گیری نوسانات قیمت سهام از تفاضل قیمت سهام در سال جاری با قیمت سهام در سال قبل تقسیم بر قیمت سهام سال قبل استفاده شده‌است.

سهیمه مالیاتی (TQ): متغیر مجازی است و در صورتی که میزان مالیات پرداختی شرکت بالاتر از میانگین مالیات پرداختی کل شرکت‌های مورد بررسی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.

متغیرهای کنترل مدل شامل اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی، تمرکز سرمایه و تراکم موجودی انبار است.

در این حالت، اندازه شرکت (Size) توسط لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

بدهی‌ها به عنوان سپر مالیاتی عمل می‌کنند و اهرم مالی (LEVERAGE) به عنوان نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها تعریف می‌شود.

خصوصیات دارایی‌های یک شرکت بر نرخ مالیات واقعی آن شرکت تأثیر می‌گذارد و از این رو Flasset ((دارایی‌های ثابت + دارایی نامشهود)/کل دارایی) و Inasset (موجودی وجه نقد/کل دارایی) به ترتیب تمرکز سرمایه و تراکم موجودی را نشان می‌دهد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵.۱. آمار توصیفی

در این بخش ابتدا شاخص‌های آمار توصیفی که شامل شاخص‌های مرکزی (ماکزیمم، مینیمم، میانگین و میانه) و شاخص‌های پراکندگی شامل انحراف معیار و شاخص‌های چولگی هستند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	اجتناب مالیاتی شرکت	نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی	سهیمه مالیاتی	اندازه شرکت	اهرم مالی	نسبت موجودی وجه نقد	نسبت دارایی‌های ثابت و نامشهود
نماد	ETR	EPU	TQ	SIZE	LEVERAGE	INASSET	FLASSET
میانگین	0.106191	0.193459	0.140878	14.18314	0.559640	0.043221	0.255365
میانه	0.109600	0.133322	0.000000	14.02148	0.565557	0.027823	0.213114
حداکثر	0.703100	0.656850	1.000000	19.37431	0.875776	0.460921	0.805906
حداقل	0.004900	-0.073665	0.000000	10.22687	0.012734	0.000225	0.000357
انحراف معیار	0.111797	0.829689	0.348096	1.497370	0.230520	0.047935	0.182006
چولگی	4.947238	3.653248	2.064543	0.833019	4.202873	2.983357	1.046870
کشیدگی	6.487613	2.407025	5.262339	4.326989	6.202120	1.644542	3.716348

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین متغیر اجتناب مالیاتی برابر با  $0/106$  می‌باشد و میانه آن نیز برابر با  $0/109$  است. شاخص‌های پراکندگی به‌طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در جدول ۲ نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند.

در جامعه آماری مورد بررسی انحراف معیار متغیر اندازه شرکت برابر با  $1/497$  است. پارامتر چولگی میزان عدم تقارن منحنی فراوانی متغیر را نشان می‌دهد. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به‌عنوان مثال ضریب چولگی متغیر اهرم مالی مثبت و برابر با  $4/202$  می‌باشد، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به چپ داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد. پارامتر کشیدگی میزان کشیدگی منحنی فراوانی متغیر نسبت به منحنی نرمال استاندارد را نشان می‌دهد. مقادیر مربوط به این پارامتر در جدول (۲) برای متغیر نسبت موجودی وجه نقد برابر با  $1/644$  می‌باشد که با توجه به اینکه مقدارش کمتر از عدد ۳ می‌باشد نشان می‌دهد که نسبت نقدینگی از توزیع پهن تری نسبت به توزیع نرمال برخوردار است.

## ۲.۵. آمار استنباطی

### آزمون ناهمسانی واریانس باقی‌مانده‌ها

برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت استفاده شده که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس باقی‌مانده‌ها

مدل	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
اول	1.54	0.7689	عدم ناهمسانی واریانس
دوم	1.32	0.5678	عدم ناهمسانی واریانس

نتایج مندرج در جدول (۳) نشان می‌دهد که آماره احتمال محاسبه شده در آزمون وایت برای مدل پژوهش بیشتر از سطح خطای  $0/05$  است. از این رو  $H_0$  این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس‌ها رد نمی‌شود و نشان می‌دهد همسانی واریانس وجود دارد و در نتیجه روش تخمین مدل‌های مورد بررسی به‌صورت رگرسیون حداقل مربعات معمولی است.

### آزمون عدم خودهمبستگی

در این پژوهش به منظور بررسی عدم خودهمبستگی، از نرم‌افزار استتا و آزمون ولدریج استفاده شده و در صورتی که مدل دچار خودهمبستگی باشد، جهت رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای تخمین مدل استفاده می‌شود.

#### جدول ۴. آزمون ولدریج

مدل	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
اول	1.64	0.3678	عدم خودهمبستگی
دوم	1.47	0.5678	عدم خودهمبستگی

با توجه به این که آماره احتمال این آزمون در مدل بیشتر از سطح معنی‌داری ۵٪ است، مدل‌های پژوهش خودهمبستگی ندارد.

### آزمون اف لیمر و آزمون هاسمن

نتایج آزمون F لیمر در جدول (۵) برای مدل‌های پژوهش نشان داده شده است، برای تخمین این مدل‌ها، روش به کارگیری داده‌ها تلفیقی یا تابلویی است. با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود نتیجه آزمون هاسمن برای مدل پژوهش نشان می‌دهد داده‌ها از نوع اثرات ثابت هستند، مقدار احتمال مربوط به آماره آزمون هاسمن تا دو رقم اعشار نشان داده شده که این مقدار کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین مدل پژوهش بر روی متغیر موردنظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود.

#### جدول ۵. نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن مدل‌های پژوهش

آزمون F لیمر			
مدل	آماره	احتمال	نتیجه
اول	4.486	0.0000	داده‌های تابلویی
دوم	3.887	0.0000	داده‌های تابلویی
آزمون هاسمن			
مدل	آماره	درجه آزادی	احتمال
اول	6.518	5	0.2590 اثرات تصادفی
دوم	10.751	6	0.0964 اثرات تصادفی

همان‌طور که در جدول ۵ نیز مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از رد فرضیه صفر است. در نتیجه روش داده‌های تابلویی برای هر دو مدل پذیرفته می‌شود. بنابراین برای انتخاب از بین روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و الگوی اثرات تصادفی، لازم است آزمون هاسمن انجام شود. همان‌طور که در جدول ۵ نیز مشاهده می‌شود، در مدل‌های اول و دوم نتایج حاکی از پذیرش فرضیه صفر است، در نتیجه روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی پذیرفته شده است.

## برآورد مدل‌های تحقیق

پس از انجام آزمون‌های آماری لازم، به منظور تعیین به کارگیری داده‌ها و اطمینان از صحت الگوی برآزش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل‌های پژوهش در ادامه ارائه می‌گردد. بر اساس نتایج آزمون F لیمر، مدل پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش (متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی شرکت ETR)

نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	C	-0.253872	0.053386	-4.755394	0.0000
نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی	EPU	0.106522	0.015488	6.877680	0.0000
اندازه شرکت	SIZE	-0.007966	0.003582	-2.223865	0.0264
اهرم مالی	LEVRAGE	0.063714	0.016647	3.827280	0.0001
نسبت موجودی وجه نقد	INASSET	0.073132	0.076387	0.957389	0.3386
نسبت دارایی‌های ثابت و دارایی نامشهود	FLASSET	-0.004674	0.024934	-0.187455	0.8513
آماره F		4.826010	معناداری آماره F		0.000230
آزمون دوربین واتسون		1.948568	ضریب تعیین		0.724055

مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۵ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. بر اساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۹۴) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. همچنین ضریب تعیین برابر با ۰/۷۲ است که نشان می‌دهد ۷۲ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. با توجه به نتایج حاصل از جدول و ضریب متغیر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، بین این متغیر و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

در خصوص فرضیه دوم نیز با توجه به نتایج حاصل از جدول ۷، مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل کمتر از ۰/۰۵ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. بر اساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۷۹) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. همچنین ضریب تعیین برابر با ۰/۸۰ است که نشان می‌دهد ۸۰ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. با توجه به نتایج حاصل از جدول و ضریب متغیر تعاملی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و سهمیه مالیاتی، بین این متغیر و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

## جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش (متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی شرکت ETR)

نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	C	-0.112488	0.036513	-3.080740	0.0021
نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی	EPU	0.072689	0.011101	6.548196	0.0000
متغیر ضریبی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و سهمیه مالیاتی	EPU*TQ	0.104414	0.036703	2.844859	0.0066
اندازه شرکت	SIZE	-0.113705	2.955833	-0.038468	0.9693
اهرم مالی	LEVERAGE	0.070228	4.616922	0.015211	0.9879
نسبت موجودی وجه نقد	INASSET	-0.117248	0.073993	-1.584574	0.1134
نسبت دارایی‌های ثابت و دارایی نامشهود	FLASSET	-0.013517	0.020660	-0.654273	0.5131
آماره F		14.58226	معناداری آماره F		0.000000
آزمون دوربین واتسون		1.791988	ضریب تعیین		0.803676

## ۶. نتیجه‌گیری

مالیات به لحاظ اثرات گسترده خود در اقتصاد همواره مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی بوده است. کلاسیک‌ها به لحاظ عدم اعتقاد به دخالت دولت‌ها در اقتصاد، درآمدهای مالیاتی را تنها برای تأمین مخارج دولتی در نظر می‌گرفتند که وظیفه‌ی چندانی در اقتصاد نداشت. لذا اثرهای مالیات بر اقتصاد تنها در حوزه خرد اقتصادی بررسی می‌گردید. بنابراین به نوسان در درآمدهای مالیاتی نیز اهمیت چندانی نمی‌دادند. ولی با گسترش وظایف دولت‌ها، نه تنها بایستی منبعی برای تأمین مالی این فعالیت‌ها در نظر می‌گرفتند، بلکه تأثیرات گسترده‌ای که بر اقتصاد دارند و تغییرها و نوسان‌های آن را که می‌توانستند دیگر متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند، مورد توجه قرار دهند.

از طرف دیگر درآمدهای مالیاتی از طریق تأثیرگذاری بر طرف عرضه و تقاضای اقتصاد می‌تواند تولید و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین نوسان‌ها و بی‌ثباتی‌های درآمدهای مالیاتی نیز می‌تواند موجب نوسان در تولید و رشد اقتصادی گردد. چنانچه این نوسان‌ها منجر به بی‌ثباتی در دریافتی‌های دولت گردد، از طریق بی‌ثباتی در مخارج دولت، و همچنین کانال تأثیرگذاری مالیات‌ها بر تخصیص منابع، تولید و رشد نیز با نوسان روبرو خواهند شد. تأثیر بی‌ثباتی مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تحقیق و توسعه هم از دیدگاه تولیدکنندگان و هم از دید دولت نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این مورد بیشتر از طریق معافیت‌های مالیاتی و یا به عبارتی مخارج مالیاتی بروز می‌کند. در حقیقت در بسیاری موارد معافیت‌های مالیاتی در بخش‌های مولد می‌تواند محرک افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها باشد. به طور کلی اینکه مالیات نرخ آن چگونه از طریق تحقیق و توسعه می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد، از یک طرف به اثر مالیات بر هزینه‌های تحقیق و توسعه در بنگاه‌ها و هدایت آن به سمت و سوی نوآوری‌ها بستگی دارد. ممکن است بدلیل

استفاده از این سیاست مالیاتی به عنوان یک رانت، هیچ تأثیری بر رشد نداشته باشد و از این رو توجه به انجام این تحقیق همواره حائز اهمیت هست.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر متغیر وابسته اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مثبت و معنادار است و حاکی از آن است که افزایش بی‌ثباتی و نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی منجر به کاهش کارایی مالیاتی و افزایش گم‌شده‌های مالیاتی و در نتیجه افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران خواهد شد. در واقع نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی منجر به کاهش درآمد مالی دولت‌ها می‌شود، در عین حال دولت‌های محلی برای مهار رکود اقتصادی انگیزه دارند تا هزینه‌های مالی را افزایش دهند که این امر فشار مالی دولت‌ها را افزایش می‌دهد. به منظور کاهش فشار، دولت‌های محلی تمام تلاش خود را برای افزایش درآمد مالیاتی انجام می‌دهند (چن و همکاران، ۲۰۱۶)، که این امر باعث افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شود. این نتایج منطبق بر تئوری‌های نااطمینانی و مالیاتی و مطالعات دانگ و همکاران (۲۰۱۹) و دمیر و ارسان (۲۰۱۸) می‌باشند.

از طرف دیگر نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر تعاملی متغیرهای مستقل سهمیه مالیاتی و نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر متغیر وابسته اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مثبت و معنادار است و حاکی از آن است که افزایش سهمیه مالیاتی باعث افزایش اثرات بی‌ثباتی و نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی خواهد شد و به نوعی سهمیه مالیاتی اثر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را تقویت می‌کند. سهمیه‌های مالیاتی، از جمله شاخص‌های اصلی ارزیابی عملکرد ادارات مالیاتی هستند و اینکه چگونه سهمیه‌های مالیاتی به طور کامل انجام می‌شود، میزان ارتقاء جایگاه و پاداش مأمورین را تعیین می‌کند. هنگامی که سهمیه‌های مالیاتی بالاتر است، کاهش درآمد مالی و افزایش هزینه‌های مالی ناشی از نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی باعث می‌شود ادارات مالیاتی با فشار مالی بیشتری روبرو شوند، که آنها را مجبور به تقویت جمع‌آوری مالیات می‌کند و در نتیجه باعث افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شود. این نتایج منطبق بر تئوری‌های نااطمینانی و مالیاتی و مطالعات دانگ و همکاران (۲۰۱۹) و دمیر و ارسان (۲۰۱۸) می‌باشند.

## References

- ابراهیمیان، محمدتقی، ابراهیمیان، مجید (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر رشد و توسعه اقتصادی کشور. اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی.
- ابونوری، اسمعیل، نیکپور، عبدالحماد، (۱۳۹۳). اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۷، صص ۷۶-۹۰.
- اثنی‌عشری، حمیده؛ نورمحمدی، مینا (۱۳۹۷). رابطه سیاست‌های مالیاتی و بار مالیاتی شرکت‌ها در شرایط تورمی. دوره ۱۵، شماره ۵۸، صص ۵۹-۷۸.
- آملی دیوا کبری، جعفری صمیمی احمد، (۱۳۸۹). تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی مطالعه موردی: عضو سازمان کنفرانس اسلامی. پژوهشنامه مالیات، دوره ۱۸، شماره ۸، صص ۸۱-۱۰۲.



ایزدخواستی، حجت. (۱۳۹۶). تحلیل اثرات اصلاح سیاست مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران: رویکرد خرید پیشاپیش نقد CIA. فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۲۸، تابستان، صص ۱۹۱-۲۲۶.

پرخیده، احمد، تاجیک، مهدی (۱۳۹۰). درآمدهای مالیاتی و چالشهای پیش رو در اقتصاد ایران. طرح نظرسنجی ماهیانه مرکز تحقیقات و بررسیهای اقتصادی اتاق بازرگانی ایران از اعضای هیات نمایندگان.

حاجی کرمی، مرضیه و اکبرپور روشن، نرگس (۱۳۹۱). بی ثباتی مالی و مالیات بر ارزش افزوده. پژوهشنامه مالیات، شماره شانزدهم، صص ۱۲۶-۱۳۹.

حساس یگانه یحیی، بهشور اسحاق، شکری کیانی مسعود (۱۳۹۷). رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ مؤثر مالیاتی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱-۳۰.

دستگیر محسن، چاوشی محسن، عظیمی مینا (۱۳۹۵). تأثیر سیاستهای تقسیم سود بر تغییرات قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله بررسی های حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۶۵-۷۶.

رجبی، مصطفی؛ زنده دل شندی، ستاره (۱۳۹۵). تأثیر بی ثباتی درآمد مالیاتی دولت از شرکت ها، بر رشد اقتصادی ایران، ۱۳۹۳-۱۳۷۲. دوفصل نامه اقتصاد توسعه و برنامه ریزی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۵-۴۲.

شهبازی، کیومرث؛ خداویسی، حسن؛ رضایی، ابراهیم؛ گنجی، جلال (۱۳۹۷). ارزیابی نقش مشوق های مالیاتی شرکت های تجاری و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه ای. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، دوره ۹، شماره ۳۶، صص ۱۴۹-۱۶۷.

غفاری، وحید و دیگران (۱۳۹۴). اثر درآمد مالیات بر رشد اقتصادی، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.

فرامرزی، ایوب و دیگران (۱۳۹۴). بررسی رابطه مالیات و رشد اقتصادی، مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو اوپک و سازمان همکاری های اقتصادی. فصلنامه علوم اقتصادی، شماره (۳۲)، صص ۱۰۳-۱۲۲.

محمدرضایی، فخرالدین؛ منطقی، خسرو؛ عباسی، اسماعیل (۱۳۹۶). بررسی اثر رکورد تورمی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی. مجله حسابداری مدیریت، ۱۰ (۳۳)، صص ۱۲۳-۱۳۹.

موسوی محسنی، رضا و نوروزی، هایده (۱۳۹۰). برآورد تجربی مالیات تورمی و سطوح منحنی لافر: مطالعه موردی اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۴۲.

Andries, K., Gallemoreb, J., & Jacoba, M. (2017). The effect of corporate taxation on bank transparency: Evidence from loan loss provisions. *Journal of Accounting and Economics*, 63, 307-328.

Bauer, A., Fang, X., & Pittman, J. (2017). Does Stock Price Crash Risk Subside When the IRS Imposes Stricter Corporate Tax Enforcement? Available at SSRN: <http://www.ssrn.com>.

Dang, H. Fang & M. He. (2019). Economic policy uncertainty, tax quotas and corporate tax burden: Evidence from China, *China Economic Review*, <https://doi.org/10.1016/j.chieco.2019.101303>.

Dhaliwal, D., Gaertner, F., Lee, H., & Trezevant, R. (2015). Historical cost, inflation, and the U.S. corporate tax burden. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34(5): 467-489.

Gordon, R., & Li, W. (2009). Tax structures in developing countries: Many Puzzles and a possible explanation. *Journal of Public Economics*, 93, 855-866.

Jin, J. Y., Kanagaretnam, K., Liu, Y., & Lobo, G. J. (2019). Economic policy uncertainty and bank earnings opacity. *Journal of Accounting and Public Policy*.

- Keen, M. & B. Lockwood. (2010). The Causes and Consequences of the VAT Revolution. 92,138-151.
- Serrato, J. & Zidar, O. (2014). Who Bwnwfit from state corpore tax cuts? A local labor markets approach with heterogeneous firms. National Bureau of Economic Research.
- Tran, Q. T. (2019). Economic policy uncertainty and corporate risk-taking: International evidence. *Journal of Multinational Financial Management*, 52, 100605.
- Walsh, C.E. (2010). *Monetary Theory and Policy*, Cambridge, Massachusetts: MIT Press, 3ed.
- Xu, Z. (2020). Economic policy uncertainty, cost of capital, and corporate innovation. *Journal of Banking & Finance*, 111, 105698.